

دکتر محسن فرشاد یکتا
عضو هیئت علمی دانشکده صنایع ایران
و وکیل دادگستری

حقوق صنعتی، و تئوری حقوقی اموال دینامیک

قسمت اول - حقوق صنعتی، پی آمد تحول علمی و صنعتی
جامعه بشری

الف - حقوق فنو دالی

همان طور که در علوم طبیعی و تجربی، اختر فیزیک، نتیجه تحول و پیشرفت هیأت بطلمیوسی، انقلاب کوپرنیک، مکانیک آسمانی نیوتن و کیهان شناسی اینشتین بود، در علوم اجتماعی نیز، حقوق صنعتی نتیجه و پی آمد گسترش صنعت، تکنولوژی پیچیده و عصر پرواز انسان به فضا از یک طرف، و ظهور سازمانهای اقتصادی عظیم مانند کمپانیهای چندملیتی و واحدهای تولیدی فول آسا، از سوی دیگر بود.

دانش حقوق در عصر فوق صنعتی و فن آوری جدید دچار دگرگونی و تحول

بی سابقه‌یی شده است.

به قول پرفسور ژرژ ریپر، حقوقدان معروف فرانسوی:

انفجار صنعت و واحدهای اقتصادی تولید، موجب دگرديسی حقوق خصوصی

گشت.^۱

نگارنده نه تنها علم حقوق را مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و عرف و رویه‌های قضائی و دکترینهای حاکم بر جامعه می‌داند، بلکه از آن به عنوان يك فرهنگ و اندیشه و زیربنای فکری يك ملت یاد می‌کند که بهترین روش عقلی و منطقی را برای وضع و اجرای قوانین بهتر و برتر و قانونمندی و قانونگذاری و احترام به قانون و مقررات برمی‌گزیند که هرچه فرهنگ حقوقی جامعه پیشرفته‌تر باشد، فرشته عدالت بالهای مهر خود را بیشتر بر سر افراد آن جامعه خواهد گسترد و رنج مردمان را از حیث ظلم و بی‌عدالتی خواهد کاست.

دانش و فرهنگ حقوقی جوامع امروزی از جمله ایران از مرحله فئودالی و کشاورزی ساده عبور کرده و به مرحله سرمایه‌داری غامض رسیده است، و برخی از کشورها و سازمانهای اقتصادی نیز طعم سوسیالیسم را چشیده‌اند که به فرهنگ حقوقی آنان نیز تأثیر بخشیده است که به زودی به آنها خواهیم پرداخت.

حقوق فئودالی نوزادی بوده است که پس از رشد، تبدیل به حقوق صنعتی یا فوق صنعتی شده است.

فرهنگهای معتبر از فئودالیتة تقریباً تعریف مشابهی ارائه کرده‌اند. فرهنگ لاروس

می‌نویسد:

«فئودالیتة به معنی مجموعه قوانین و عرفهایی است که از دوره شارلمانی تا پایان

قرون وسطی در اروپا حاکم بر نظم سیاسی و اجتماعی قسمتی از اروپا بوده است.»^۲

فرهنگ اندیشه نو در این باره می‌نویسد:

«فئودالیتة اصطلاحی است که در قرن هیجدهم میلادی رایج شد و آن مربوط

1- Georges Rippert - la metamorphose de droit prive'. pp.5-10.

2- Ladionnare de larome. V.Feo'dalite'.

به نظام جاری از قرن ۹ تا ۱۶ اروپای غربی بود. در ایران، نظام فئودالی یا ارباب و رعیتی و یا شکلهایی از آن تا اوائل قرن بیستم میلادی جریان داشته است. سلطه حقوقی اربابان بر رعایا و اجاره‌داران و اعطای زمین در قبال خدمت به شاه یا اربابی که حافظ زمین بود، شکلی از نظام فئودالی محسوب می‌شد. در ایران آن را نان‌پاره، اقطاع و تیول می‌نامیدند.^۱

فئودالیت و نظام حقوقی ناشی از آن یکی از نظامهای عقب‌افتاده اجتماعی محسوب می‌شود، اما به مصداق مثل معروف، از کوزه همان برون تراود که در اوست، از اندیشه‌های قرون وسطایی جوامع بشری جز تراوش این نوع نظامها انتظار دیگری نمی‌رفت. انقلاب صنعتی انگلستان در ۱۷۱۶ میلادی صورت پذیرفت و بخش مهمی از نیروی کار کشاورزی به بخش صنعت منتقل شد، به راه افتادن چرخهای صنعت و استفاده از سرمایه‌های کشورهای مستعمره انگلستان و پدید آمدن بانک و بانکداری و بعدها شرکتهای سهامی، راه را برای ظهور حقوق صنعتی و تحول کامل حقوق مبتنی بر نظام فئودالیت باز کرد.

حقوق فردی محصول عصر فئودالیت بوده و همین حقوق در دوره سرمایه‌داری با قدری تغییر و تحول ادامه می‌یابد و در حقوق سوسیالیسم حقوق فردی جای خود را به حقوق اجتماعی می‌دهد.

اما دوره شکوفائی حقوق صنعتی و حقوق اقتصادی در دوره ظهور سرمایه‌داری است.

ب - حقوق سرمایه‌داری

اساساً سرمایه در حقوق به معنی تجمع کالا، مالکیت و دارایی است که برای تولید ثروت و منافع به کار می‌رود. اما خود سرمایه‌داری یک نظام اقتصادی است که در آن

۱ - مراجعه شود به فرهنگ اندیشه نو - ویراستار ع - پاشائی.

سرمایه‌گذاری در وسائل تولید و مالکیت آنها و امر توزیع و مبادله ثروت به طور اصلی و اساسی و به‌وسیله بخش خصوصی، یعنی افراد و شرکت‌های خصوصی انجام می‌شود. بدین اعتبار، حقوق صنعتی، یعنی حقوق ناشی از صنعت و تجارت به معنی پیشرفته امروزی، زاده نظام اقتصادی سرمایه‌داری است.

در حقوق اقتصادی، تیول و دهداری موجب وضع يك سلسله مقرراتی می‌شود که نظام فئودالی آن را تعیین می‌کند، مانند دفاع از حقوق ارباب در برابر رعایا و زمین‌داری نامحدود. اقتصاد سرمایه‌داری نیز نظام حقوقی خاص خود را پدید می‌آورد. سرمایه‌داری منجر به امپریالیسم می‌شود و در مقابل، سوسیالیسم منجر به پیدایش کمونیسم خواهد شد، مگر اینکه تغییرات وسیعی در جوامع سوسیالیستی مانند امروز در روسیه و چین و دیگر کشورهای سوسیالیستی به وجود آید که در حال ایجاد شدن است.

امپریالیسم به معنی امپراتوری سرمایه است که امروز مظهر آنها شرکت‌های چندملیتی هستند. حقوق صنعتی، صرفاً حقوق نظام سرمایه‌داری نیست، این حقوق، نتیجه ظهور صنعت و تجارت پیشرفته بعد از قرن نوزدهم است، حال چه نظام سرمایه‌داری باشد و چه غیر سرمایه‌داری، به اعتقاد نگارنده، حقوق صنعتی وقتی در اروپا شکل گرفت که قوه بخار کشف شد و ماشین‌ها جان‌ساز شدند. این همان دوره‌ای است که اگوست کنت، در قرن نوزدهم عنوان جامعه صنعتی را برای اروپا به‌کار برد.

اگوست کنت برای صنعت و جوامع صنعتی چندین خصیصه می‌شناسد که امروز با گسترش آن به جوامع صنعتی می‌رسیم و حقوق صنعتی نیز نظام حقوقی این دوره است که با ذکر يك خصیصه، چگونگی حقوق صنعتی امروز را مورد بحث قرار می‌دهیم:

«صنعت براساس سازمان‌دهی علمی کار بنا شده است، و تولید برای تحصیل حد

اعلای بازده است»^۱ در کشورهای اروپایی از قرن بیستم، کارخانجات، و واحدهای تولیدی، به نحو علمی سازمان یافتند و تا به امروز پیش‌بینی آگوست کنت به وقوع پیوسته و سازمان‌دهی علمی کار روزبه‌روز در کشورهای صنعتی توسعه می‌یابد. در سازمان‌دهی علمی، ما با مدیریت علمی، صنعتی و جهانی مواجه می‌شویم که مختص کمپانیهای چندملیتی است.

حقوق خصوصی، حقوق کار و حقوق تجارت، بیش از هر حقوق دیگری متحول شده، و مسئله اتوماسیون، و ظهور هوش مصنوعی برحقوق خصوصی حتی حقوقی مدنی تأثیر گذاشته است. با توجه به دگرگونی اساسی در حقوق تجارت و کار، ما به تحولات حقوق تجارت از یک طرف و دگرگونی حقوق کار از سوی دیگر نگاه می‌کنیم.

۱- تحولات حقوق تجارت:

حقوق تجارت ایران در مقایسه با حقوق تجارت اروپا، مثلاً فرانسه بسیار جوان است. حقوق تجارت فرانسه در ۱۹۰۷ در دوره امپراتوری ناپلئون بناپارت تدوین شد. اما حقوق تجارت ایران در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در امور ساده تجاری تدوین شد و سپس در ۱۳۴۷ سیصد ماده به آن افزوده شد که قانون تجارت ایران را تشکیل می‌دهد. اما پرواضح است که یک چنین قانون تجارتی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای جامعه صنعتی و تولیدی پیچیده امروز باشد. مشخصات عمده قانون تجارت ایران عبارتند از:

۱- ایجاد بعضی از مقررات و حقوق درباره تجار،

۲- تنظیم شرکتهای تجاری و ایجاد شخصیتهای حقوقی،

۳- وضع مقررات خاص برای اسناد تجاری،

۴- وضع مقررات ویژه برای امور ورشکستگی،^۲

۱- ریمون آرون - مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی - ترجمه باقر بهرام - س ۹۲ - ۹۳.

۲- محمدعلی عبادی - حقوق تجارت - ص ۱۲.

حقوق صنعتی ایجاب می‌کند که ما در ایران همانند کشورهای پیشرفته دارای دادگاه تخصصی تجارت باشیم. در ایران متأسفانه دادگاههای تخصصی تجارت وجود ندارد و دادگاههای عمومی به مسائل غامض تجاری و شرکتها رسیدگی می‌کنند، در حالی که این دادگاهها هم نیازمند به قاضی متخصص امور بازرگانی و حقوق تجارت هستند و هم وکیل متخصص در حقوق تجارت.

در حقوق صنعتی امروز، بانک و بانکداری نقش عمده‌ایی را ایفاء می‌کند.

حقوق تجارت ایران در مسئله بانک و عملیات بورس که امروز در اقتصاد کشورهای جهان بسیار مؤثر است، و مسئله ارز و پول، داوری بین‌المللی در مسائل تجاری، نحوه اجرای احکام حقوقی و تجاری دادگاههای خارجی در ایران، قانون جلوگیری از ورشکستگی شرکتهای تجاری، و نحوه حمایت از گسترش و قوام شرکتهای سهامی، ضعیف است و قانون حاضر پاسخگوی نیازهای جامعه صنعتی امروز نیست.

همچنین حقوق تجارت ایران فاقد هرگونه مقرراتی درباره گروههای اقتصادی مانند «گروههای منافع اقتصادی» در فرانسه و آلمان و حقوق خاص «واحدهای اقتصادی تولید» و حقوق حرفه‌ای است.

در ایران بانکها و اتاق بورس مقررات خاص خود را دارند، اما ماده ۲ قانون تجارت ایران که ۱۰ مورد عملیات تجاری را نام برده است، مطلقاً از بورس و عملیات آن سخنی به میان نیاورده و آن را جزو اعمال بازرگانی اصلی نیاورده است، در حالی که خوب می‌دانیم امروز در حقوق صنعتی، بورس نقش عمده‌یی را ایفاء می‌کند و رونق و پیشرفت اقتصاد و تجارت کشورهایی نظیر آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه و انگلستان به‌فعال بودن شرکتهای تجاری و معاملات بورس آنهاست. نه تنها قانون بلکه رویه قضائی نیز در مورد بانکداری و به ویژه بورس ضعیف است و هنوز رویه‌های قضائی متقنی راه را برای بنیان نهادن حقوق اقتصادی بورس و بانکداری باز نکرده است.

حقوق اقتصادی را می‌توان مترادف حقوق صنعتی دانست.^۱

در این حقوق سه نهاد حقوق مالکیت، قراردادها، و حق رقابت آزاد باید با نیازهای صنعتی و اقتصادی روز تطبیق داده شود.

اول - مسئله مالکیت:

مالکیت فردی در اسلام مورد احترام است، و تنها وقف است که مالکیت فردی را محدود می‌کند و نخستین تأسیس و نهاد شخصیت حقوقی را در اسلام و فقه آن پایه‌گذاری می‌کند. سرمایه‌داری و رژیم اقتصادی لیبرالیسم یا مکتب اصالت آزادی مالکیت فردی را مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. اما سوسیالیسم مالکیت فردی را به ترتیبی که بیان خواهد شد نمی‌پذیرد. در رژیم سرمایه‌داری نوعی مالکیت دسته‌جمعی ایجاد شده است که از طریق فروش سهام و مالکیت سهامداران نسبت به اموال شرکت به وجود آمده است و چون ممکن است هزاران نفر سهامدار سرمایه شرکت را به صورت اوراق سهام بین خود تقسیم کرده باشند، پس مالکیت در شرکتهای سهامی دسته‌جمعی است و مغایر نحوه تفکر سرمایه‌داری و مالکیت فردی است. اما نظریه حقوقی «واحد اقتصادی تولید، آنترپریز» و مالکیت اموال دینامیک مالکیت سهامداران را رد می‌کند و تنها مالک را شخصیت حقوقی می‌شناسد، یعنی بازگشت به مالکیت فردی ولی این نوع مالکیت به کلی با مالکیت‌های کلاسیک حقوق رم، و فقه امامیه و رژیم سرمایه‌داری ناشی از فتوالیسم فرق دارد و دچار تحول عظیمی شده است.

اسلام مالکیت فردی را به چه نحو مورد حمایت قرار داده است؟

حدیث نبوی، الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم و قاعده مشهور لاضرر و لاضرار فی الاسلام، دو قاعده فقهی هستند که نشان می‌دهد فقه اسلام از مالکیت فردی حمایت می‌کند، چون مردم بر مال و جان خود تسلط دارند و در اسلام زبانی به کسی

۱- مراجعه شود به دکتر محسن فرشاد یکتا - حقوق اقتصادی در ایران - ۱۳۵۶ - ص ۱۱ به بعد - چاپ مدرسه عالی بازرگانی.

وارد نمی‌شود و اسلام هم به کسی ضرر نمی‌زند. ماده ۱۳۲ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد، کسی نمی‌تواند در ملك خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع احتیاج یا رفع ضرر از خود باشد.

این ماده مبتنی بر قاعده فقهی لاضرر است.

ماده ۳۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

این ماده مبتنی بر قاعده تسلیط است و نشانه حمایت کامل از مالکیت فردی است، اما مالک نمی‌تواند به ضرر همسایگان خود از این ماده استفاده کند، مگر در حد متعارف. پس قاعده لاضرر با قاعده تسلیط تعارض دارد و آن را محدود می‌کند.

در اینجا قاعده تسلیط به نفع قاعده لاضرر محدود می‌شود،

در بسیاری از امور مانند عمران شهری، و روستائی، وقفیت عام و مقررات مربوط به احداث جاده‌ها و بزرگراهها و غیره و به‌طور کلی امور عام‌المنفعه موجب می‌شود مالکیت اشخاص حقیقی و حقوقی به نفع جامعه محدود شود. مواد ۲۴ تا ۲۸ قانون مدنی ایران با تکیه بر قاعده لاضرر و منافع عمومی، قاعده تسلیط را محدود کرده است. اما حقوق صنعتی به شکل و ماهیت مالکیت تغییرات و دگرگونیهای اساسی وارد کرده که جوابگوی نیاز امروز جوامع پیچیده صنعتی باشد.

ما نباید مالکیت صنعتی را با مالکیت در نظام حقوق صنعتی و اقتصادی اشتباه کنیم. مالکیت صنعتی که به زبان فرانسه آن را *Propriete' industrielle*، و در زبان انگلیسی به آن *Patent rights* می‌گویند، عبارتند از حق اختراع و مالکیت گواهی و ورقه حق اختراع، حق مشتری یک مرکز تجاری، علائم بازرگانی و نام بازرگانی و مالکیت بر علامت فابریک کالاها، تولیدی و تجاری و حق مالکیت بر طرحهای صنعتی.

در زبان انگلیسی *Patent rights* به معنی حقوق ناشی از ثبت اختراع است.

ماده ۲۶ قانون علائم و اختراعات مقرر می‌دارد:

«هر قسم اکتشاف یا اختراع جدید در شعبه مختلف صنعتی یا فلاحتی به کاشف و

مخترع آن حق انحصاری می‌دهد که برطبق شرایط و در مدت مقرر در قانون از اکتشاف یا اختراع خود استفاده کند،»

البته شرط استفاده از این دو مالکیت صنعتی، ثبت اختراع یا اکتشاف است.

ژرژ ریپر، در کتاب حقوق تجارت می‌نویسد:

«مالکیت صنعتی حقوقی است که متعلق به یک شخص است و مالکیت معنوی یا

فکری نامیده می‌شود و به دارنده آن حق انحصاری بهره‌برداری را می‌دهد.^۱

طبق تعریف فوق مالکیت صنعتی علاوه بر حق اختراع و علائم بازرگانی و غیره،

شامل حق مؤلف و مصنف و حقوق هنرمند هم می‌شود.

در ترمینولوژی حقوق، مؤلف محترم آن در مقابل اصطلاح

Propriete' industrielle، ترجمه فارسی مالکیت حقوق صنعتی را گذاشته است.^۲

این مسامحه به تعبیر است، زیرا مالکیت صنعتی با مالکیت حقوق صنعتی فرق دارد.

مالکیت حقوق صنعتی یعنی، مالکیت در نظام حقوق صنعتی. حقوق صنعتی حقوقی

است مانند حقوق مدنی، حقوق کشاورزی، و یا حقوق دریائی و هوائی. مالکیت حقوق

صنعتی یعنی مالکیت در نظام حقوقی صنعتی که اکنون مورد بحث ماست. بهتر است

Propriete' industrielle فقط مالکیت صنعتی ترجمه شود و مالکیت حقوق صنعتی

را برای بحث درباره نوع مالکیت در حقوق صنعتی اختصاص دهیم.

مالکیت در حقوق صنعتی از یک طرف مالکیت در شرکتهای سهامی عام و از سوی

دیگر در واحدهای اقتصادی تولید است.

امروز حرکت جهان به سوی روبات‌های هوشمند و خودکار شدن الکترونیکی و

کامپیوتری صنایع و روش تولید و جهش خستگی‌ناپذیر بشر به سوی راههای گوناگون

جلب نفع و سود و سرمایه، موجب شده است که اموال خودبه‌خود شخصیت پیدا کنند و

استقلال کامل بیابند.

1- Georges Ripert, droit commercial, p. 302.

۲- دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی - ترمینولوژی حقوق - شماره ۴۷۲۱.

قبل از تحول مالکیت و پیدایش حقوق صنعتی، مال و دارایی یکی از عناصر شخصیت مالک به شمار می‌رفت. ولی با جدایی مالکیت از اداره و مدیریت، اموال و دارائی مستقل شدند و شخصیت حقوقی و اقتصادی مجزاً پیدا کردند. رویه قضائی فرانسه، بعد از جنگ بین‌الملل دوم به بسیاری از اموال از جمله کشتیهای حمل و نقل، شخصیت حقوقی بخشیده است. پس این تحول مالکیت، خاص دوران حقوق صنعتی است، کما اینکه امروز يك کارخانه به وجود شخص مالک بستگی ندارد و تئوری وحدت مالکیت در حقوق صنعتی دگرگون شده و تغییرات حقوقی، از قبیل مرگ و حجر مالک در مالکیت او نسبت به کارخانه و واحد تولیدی تأثیری ندارد.

دوم، مسئله قراردادهای:

افزون بر مالکیت، قراردادهای نیز در حقوق صنعتی و اقتصادی دچار تطور و دگرگونی شده‌اند.^۱

در حقوق صنعتی، قراردادهای یا پیمانهای دسته‌جمعی کار، قراردادهای شرکتی چندملیتی با بخشهای دولتی و یا خصوصی کشورهای مختلف، انواع قراردادهای کارفرمایی و پیمان‌کاری در سطح بین‌المللی و قراردادهای مالی و تجاری، از مسائلی است که مفاهیم کلاسیک قراردادهای و حاکمیت اراده و فلسفه ماده ۱۰ قانون مدنی را تغییر می‌دهد.

امروز پست الکترونیکی E-mail و فاکس و L.C یا اعتبار اسنادی، جای قراردادهای معمولی تحت حاکمیت قانون مدنی و حتی تجاری را گرفته است. برای مثال ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران در حقوق صنعتی دچار دگرگونی کامل شده است. طبق ماده ۹۶۸ قانون مدنی:

«تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است، مگر اینکه متعاقدين اتباع

خارج بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند.»

دو ماده ۹۶۸ و ۹۶۹ قانون مدنی ایران ریشه خود را از قاعده حقوق رم، Locus Regit Actum یعنی «محل بر اسناد حکومت می‌کند» گرفته است.^۱

در حقوق صنعتی و اقتصادی امروز این قاعده و مفاد ماده ۹۶۸ قانون مدنی ایران کاربرد محدودی دارد و قراردادهای تجاری بین‌المللی تابع اصول ناشی از روابط صنعتی بین‌المللی هستند. اکنون یکی از پرونده‌های مورد مشورت نگارنده این است: یک شرکت تولیدی - صنعتی ایرانی قصد دارد ماشین و دستگاههای تولیدی - صنعتی را با مشارکت کره جنوبی در ایران مونتاژ کند. شرکت ایرانی با پست الکترونی E-mail مذاکره کرده و شرکت کره‌ای نیز با پست الکترونی E-mail شرایط خود را اعلام کرده، سپس شرکت ایرانی آن را پذیرفته و باز هم با E-mail به توافق نهایی رسیده‌اند، و پس به دو بانک ایرانی و کره‌ای دستور داده‌اند که اعتبار اسنادی (L.C) را جهت حمل قطعات صنعتی به ایران گشایش نماید و بانکها پس از گشایش اعتبار اسنادی و صدور بیمه‌نامه دریایی دستور حمل نخستین محموله از قطعات ماشینها را صادر کرده‌اند و پس از رسیدن نخستین محموله به بندرعباس، قیمت آن را از بانک ایرانی به وسیله بانک کره‌ای دریافت کرده‌اند.

در اینجا به مفهوم قدیمی و سنتی حقوقی، عقد منعقد نشده و قرارداد امضاء نشده است، بلکه با E-mail فقط توافق شده و قرارداد با گشایش L.C اعتبار یافته است و اگر هم اختلافی رخ دهد برابر قراردادی که همزمان در یک روز در ایران و کره جنوبی مورد توافق قرار گرفته است، دادگاه کشور ثالث یعنی اتاق بازرگانی سویس مرجع حل اختلاف می‌باشد. بدین اعتبار در حقوق صنعتی امروز قراردادهای مفاهیم قدیمی خود را از دست می‌دهند و در کمپانیهای چندملیتی و مناقصه‌های بزرگ بین‌المللی قراردادهای تعهدات جنبه‌ای پیچیده فنی و حقوقی به خود می‌گیرند که حقوق ایران باید با پیدا کردن فنون و روشهای حقوقی جدید و پیشرفته حقوقدانان متخصص را برای رویارویی با حقوق صنعتی و اقتصادی جدید تربیت کند.

حق رقابت آزاد و جلوگیری از رقابت نامشروع نیز از خصوصیات پیشرفته حقوق صنعتی است.

گرچه مسئله رقابت آزاد و مشروعیت آن و تقویت بخش خصوصی و آزاد ساختن بازار مالی به عنوان ابزار سرمایه‌گذاری از عوامل مهم نظام اقتصادی سرمایه‌داریست، اما وجود شرکت‌های سهامی عام و شرکت‌های چندملیتی که هر شرکتی هزاران سهامدار دارد و سرمایه شرکت به وسیله اوراق سهام بین سهامداران تقسیم شده است و وجود بیمه‌های اجتماعی و مالیات‌ها، رژیم سرمایه‌داری امروز را به نوعی سوسیالیسم تبدیل کرده و به رغم اینکه لندن گفته بود شرکت‌های چندملیتی مظهر امپریالیسم یا امپراتوری سرمایه هستند، باید گفت با تشویق شرکت‌های سهامی و تقسیم سرمایه این شرکت‌ها بین مردم، سرمایه‌داری که بر اقتدار مالی فرد تکیه دارد، تغییر چهره داده و به سوسیالیسم تبدیل شده است که اکنون آن را مورد بحث قرار می‌دهیم:

ج - حقوق سوسیالیسم:

حقوق سوسیالیسم نظامی حقوقی است که مبتنی بر مکتب فلسفی سوسیالیسم علمی است که کارل مارکس آن را بنا نهاد، مارکس در بنیان نهادن ماتریالیسم دیالکتیک (ماده‌گرایی جدلی) از ایده‌آلیسم دیالکتیک (اصالت تصوّر جدلی) هگل کمک گرفت. ماده‌گرایی را از فویرباخ و دیالکتیک (جدل فلسفی) را از هگل گرفت و در منطق سه پایه خود دستگاه فلسفی هگل را وارونه کرد. به این معنی که در منطق سه پایه هگل ایده را تز و آنتی‌تز و روح روحانی جهان را سن‌تز نامید. مارکس در مقابل به اجتماع پرداخت و طبقه بورژوازی (یا سرمایه‌دار مرفه) را تز (نهشت) و طبقه پرولتاریا (یا طبقه کارگر و محروم و مستضعف) را آنتی‌تز (پادنهشت) و ترکیب و میوه آنها یا سن‌تز (همانهشت) را انقلاب سوسیالیستی نامید.

هگل حرکت عقل یا ذهن را در جامعه بشری به صورت تکامل سازمان‌های اجتماعی

به شکل زیر می‌داند:

۱- بالاترین و آخرین مرحله تکامل اندیشه بشر در جوامع انسانی ایدئولوژیست و تاریخ اندیشه بشر را تاریخ رشد ایدئولوژیها می‌داند و از نظر او ایدئولوژی عبارت است از: فلسفه، مذهب و هنر.

۲- در حرکت ذهن، دولت پس از ایدئولوژی قرار دارد و دولت پس از ایدئولوژی مهمترین سازمان اجتماعی انسان است.

۳- به ترتیب جامعه بشری، خانواده و خود، یکی پس از دیگری در رده پائین‌تری از دولت قرار دارند.

مارکس دستگاه فلسفی هگل را سر و ته کرد، به این مفهوم که دستگاه فلسفی خود را به زیربنا و روبنا تقسیم کرد. زیربنا یا *infrastrctnre* روابط تولیدی است که ناشی از سرمایه‌دار نیست، و این روابط تولیدی موجب می‌شود تا بخش خصوصی یا طبقه بورژوا (حوزه مالک، یا طبقه مرفه) ابزار تولید را در دست داشته باشد. ابزار تولید یعنی زمین، پول و کار کارگر.

روبنا یا *Supra-Structure* عبارتست از ایدئولوژی یعنی، فلسفه، مذهب و هنر. از نظر مارکس وقتی زیربنا در تسلط مادی و معنوی طبقه بورژوا باشد، ایدئولوژی هم در دست اوست و با انقلاب سوسیالیستی می‌توان زیربنا را تکان داد و ابزار تولید را از دست طبقه ثروتمند گرفت و به طبقه پرولتاریا منتقل کرد و ابزار تولید به جای اینکه در دست یک طبقه باشد، در دست دولت خواهد بود، آنگاه در نتیجه انقلاب سوسیالیستی، روابط تولیدی اشتراکی پدید خواهد آمد و جامعه بدون طبقه پرولتاریایی، آن‌هم بدون دولت بر منصفه ظهور خواهد نشست.^۱

مارکسیسم به عنوان یک دکترین سیاسی، مبتنی بر این اعتقاد بود که علت هر بدی در جامعه، تضاد طبقات اجتماعی است، باید طبقات اجتماعی را حذف کرد و مالکیت خصوصی اموال تولیدی را ممنوع کرد و آن را در اختیار اجتماع قرار داد که آن را به نفع همه مورد بهره‌برداری قرار دهد.^۲

1-Mac-Millan- Encyclopedia pf philosophy. v. 7.p. 470.

2- Rene David-les grands systemes de droit contemporain. Dalloz. p. 175.

بحث نگارنده در همین جاست که شرکتهای سهامی عام و شرکتهای سهامی چندملیتی برخلاف نظر لنین نوعی سرمایه‌داری دسته‌جمعی یا سوسیالیسم مبتنی بر سوداست.

سرمایه‌داری یعنی اینکه منابع تولید در دست يك یا چند نفر باشد. اما وقتی سرمایه شرکت بین هزاران نفر سهامدار تقسیم می‌شود و یا دارایی و اموال شرکت متعلق به يك شخص حقوقی است و به کلی از وضعیت حقوقی سرمایه‌داران حقیقی جداست، آیا بازهم رژیم سرمایه‌داری حاکم بر ساختار شرکتهای سهامی است؟
يك شرکت سهامی از يك طرف با تقسیم سرمایه شرکت بین هزاران نفر سهامدار و از سوی دیگر با تشکیل شخصیت حقوقی که مالک اموال شرکت است، فردپرستی و سرمایه‌داری را به نوعی جمع‌پرستی و تقسیم سرمایه تبدیل کرده است که باید گفت وجود شرکتهای سهامی اعم از داخلی و چندملیتی نشانه تأثیر مکتب سوسیالیسم در سرمایه‌داری غربی است اما به سبک و روش خود غرب.

سرمایه‌داری وقتی است که يك یا چند نفر، مالک سرمایه‌های بزرگ یا ابزار تولید باشند، اما وقتی هزاران و گاه میلیونها نفر سهامدار يك شرکت سهامی هستند، دیگر سرمایه به انحصار چند فرد درنیامده و بین جمع کثیری از آحاد اجتماع تقسیم شده است، و این خود نشانه نفوذ مکتب سوسیالیسم در سرمایه‌داری است. مفهوم شخصیت حقوقی به عنوان مالک داراییهای شرکت نیز نشانه تحول سرمایه‌داری و قرار گرفتن سرمایه در درست يك شخصیت فرضی قانونی است که خود دارای چندین هزار مالک است. پس شرکتهای سهامی نوعی سرمایه‌داری دسته‌جمعی و یا نوعی سوسیالیسم منقبض شده است.

آنچه که در بحث ما اهمیت دارد این است که حقوق صنعتی، حقوق کمپانیهای چندملیتی و شرکتهای بزرگ سهامی است، و خواه ناخواه این نوع ساختار اقتصادی قوانین و مقررات خاصی ایجاد می‌کند که با روند توسعه و تکامل شرکتهای چندملیتی

و تکنیک روبه گسترش سازگاری داشته باشد. با این سخن ما می‌رسیم به نقش کمپانیهای چندملیتی در توسعه حقوق صنعتی.

قسمت دوم - نقش کمپانیهای چندملیتی در توسعه حقوق صنعتی

شرکتهای چندملیتی، کمپانیهای بزرگ تولیدی، صنعتی و بازرگانی آمریکایی، اروپایی و ژاپنی هستند که امروز نبض تولید، عرضه و تقاضا و محور اقتصاد و سرمایه‌داری جهان را در دست دارند. اصطلاح شرکتهای چندملیتی با هیچ معیار حقوقی قابل تطبیق نیست. زیرا از لحاظ حقوقی هر شرکتی یک تابعیت دارد، اما شرکتهای چندملیتی به مفهوم یک شرکت تجاری که دارای تابعیت خاصی باشند، وجود ندارند، بلکه بیشتر یک واقعیت اقتصادی هستند تا حقوقی.

امروز اکثریت واحدهای بزرگ صنعتی شرکتهای چندملیتی هستند که در تمام قاره‌ها فعالیتهای تولیدی و بازرگانی خود را توسعه می‌دهند و سرمایه‌های خود را از منابع کشورهای گوناگون تأمین می‌کنند، به همین دلیل به آنها چندملیتی گفته می‌شود. در اکثر این شرکتها نفوذ سرمایه‌های آمریکائی بسیار زیاد است و وسعت فعالیت و قدرتهای مالی آنها آن قدر زیاد است که با بسیاری از کشورها به رقابت می‌پردازند، به همین دلیل آنها را نمونه امپراتوری سرمایه می‌دانند و برخی از آنها تا جایی پیش می‌روند که در کار و اداره دولتها مداخله می‌کنند. مثلاً کمپانی چندملیتی آی. تی. تی. علیه سالوادور آلنده رئیس جمهوری شیلی به دلیل ملی کردن صنایع مس شیلی کودتا کرد و او را سرنگون ساخت.

این شرکتها خود یک دولت مالی هستند، برای مثال آکسان، کمپانی بزرگ نفتی آمریکایی و یا جنرال موتورز آمریکا دارای درآمد سالیانه‌ای بیش از بودجه سالیانه چند کشور در دنیا هستند.

با توجه به مطالب فوق ما نگاهی به انواع شرکتهای چندملیتی می‌اندازیم.

الف - انواع شرکتهای چندملیتی

۱- شرکتهای تک مرکزی یا 'Ethnocen tree' در این شرکتهای کشور اصلی، مدیریت اداره، تأمین بودجه و امور حقوقی را در دست دارد. نمونه این شرکتهای جنرال موتورز آمریکا، سازنده اتوموبیلهای آمریکایی، و آی. بی. ام، سازنده بزرگ کامپیوتر در دنیا، و کمپانی نفتی اکسان که جزو هفت خواهران نفتی است.

این شرکتهای تک مرکز دارند و آن آمریکاست و مدیریت اقتصادی و علمی و اداری و حقوقی شرکت در آمریکاست.

۲- شرکتهای چند مرکزی 'Polycentree' این شرکتهای تابع مقررات کشور پذیرا هستند. در نتیجه در کشورهایی که بساط سرمایه‌گذاری خویش را پهن می‌کنند، درست مانند تابعان آن کشور پیرو و فرمان‌بردار قوانین موضوعه آن مرز و بوم هستند. شرکتهای ژاپنی میتسوبیشی و میتسوئی از این نوع شرکتهای هستند.

۳- شرکتهای بدون مرکز 'Geocentree' یا زمین مرکزی شرکتهائی هستند که هم از انقیاد نسبت به مقررات کشور اصلی می‌گریزند و هم از قوانین کشور پذیرنده. برخی از کمپانیهای نفتی و آی. تی. تی را از جمله این شرکتهای می‌شناسند.

شرکتهای چندملیتی در ساختمان حقوقی خود علاوه بر هیأت مدیره و مجمع عمومی دارای شورای اداری نیز هستند که شرکتهای سهامی عادی فاقد آن هستند. برخی شرکتهای چندملیتی دارای چندین هزار سهامدار هستند، بنابراین نمی‌توان همه آنها را در مجمع عمومی گردآورد، بنابراین شورای اداری وظیفه مجمع عمومی را انجام می‌دهد و به هیئت مدیره در اداره شرکت کمک می‌کند.

پس از گسترش شرکتهای چندملیتی تحول حقوق تجارت و حقوق کار شروع شد که خود دگرگونی حقوق صنعتی را به دنبال داشت.

کارتل، تراست و کونزرن، سه گروه حقوقی و اقتصادی هستند که از نهادهای اصلی حقوق صنعتی به شمار می‌روند.

کارتلها آنترپریز یا واحدهای تولیدی همانند تراست و کنسرسیوم و کونزرن هستند.

کارتل از لحاظ حقوقی توافق محدود و موقت بین چندین واحد تولیدی يك شاخه از صنعت است که انحصار کامل و یا محدود بازار محصولات آن صنعت را به خود اختصاص داده و سپس این انحصار را گسترش و توسعه می‌دهند. کارتلهای قدرت دارند در سطح جهانی قیمتها را بالا برده یا پایین بیاورند بدون این که ریسک کرده باشند. این نشان می‌دهد که کارتلهای نبض اقتصاد جهانی و قوانین بازار جهانی را در دست دارند. نمونه کارتلهای معروف نفت یا هفت خواهران نفتی هستند، کارتل نفتی اوپک هست، و کارتلهای اسلحه و محصولات الکترونیک و غیره وجود دارد که همواره سعی در حفظ برتری فنی محصولات خود را می‌نمایند و عمده حرکت تکاملی تکنولوژی کره زمین و تحقیقات سری در زمینه‌های فن‌آوری، سلاح و فضا برعهده آنان است.

اعضاء کارتل برعکس تراست است، استقلال حقوقی و مالی خود را حفظ می‌کنند و تحت اقتدار يك ستاد کل و یا مدیریت واحد قرار نمی‌گیرند. يك سوم تولیدات جهانی در زمینه نفت، وسائل الکترونیک، شیمی و سیمان، را برعهده دارند و چون اعضاء کارتل به هم می‌پیوندند تا تولید، فروش و قیمت را کنترل کنند و در هر صنعت انحصار را به دست آورند، کمپانیهای کوچک با آنها قادر به رقابت نیستند و به سرعت از صحنه فعالیت‌های اقتصادی محو می‌شوند، به همین دلیل برای حفظ و حمایت از واحدها و آنترپریزهای کوچک که اقتصاد بسیاری از خانواده‌ها به آنها وابسته است، و برای جلوگیری از ورشکستگی آنها، در آمریکا قانون ضد تراست از پارلمان گذشت.

امروز تراست همانند کارتل، نوعی انحصار بین‌المللی صنعتی و بازرگانی است، با این تفاوت که کارتل همانند کشورهای عضو يك کنفدراسیون عمل می‌کند، اما، تراست، اعضاء آن مانند کشورهای عضو يك فدراسیون عمل می‌نمایند. در

کنفدراسیون، اعضاء آن از هر نظر مستقل هستند، فقط بخش کوچکی از اختیارات خود را به مرکز کنفدراسیون، یا دولت کنفدرال واگذار می‌کنند، مانند سازمان ملل متحد و یا کنفدراسیون عرب. اما در فدراسیون، اعضاء فقط از لحاظ داخلی مستقل هستند و از لحاظ بین‌المللی و مسائل مهم اداری تابع دولت مرکزی فدرال هستند، مانند دولت فدرال آمریکا، آلمان و یا روسیه. حقوق صنعتی، حقوق زائیده ترقی، تکامل و دست آورده‌های فنی و علمی این کمپانیهاست و جاسوسی صنعتی نیز در مورد همین کمپانیها انجام می‌شود و دولتهای قدرتمند صنعتی از لحاظ جهش علمی و فنی و رسیدن به برخی تحقیقات سری علمی و صنعتی دست در دست این کمپانیها دارند.

امروز اموالی که دارای شخصیت‌های حقوقی هستند و کمپانیهای تولیدکننده انواع محصولات صنعتی - تخصصی، شکل خاص حقوقی دارند که نگارنده به آنها نام اموال دینامیک داده است، که جا دارد قبل از بحث تئوریک آن به گوشه‌یی از تحولات علمی دنیا و نقش دانش حقوق در برابر آنها اشاره کنیم.

ب - تحولات علمی امروز و دانش حقوقی

عصر امروز عصر شناخت حدود یکصد و پتجاه میلیارد کهکشانشان در کیهان، و سفر به سرعت‌های پاور نکردنی نزدیک به سرعت نور، عصر دست‌یابی به سلاحهای ضد ماده است.

آرمان شهری که دولتها و کمپانیهای بزرگ صنعتی برای ما تدارک دیده‌اند، دهکده ابر رایانه‌ها با سرعت چندمیلیارد محاسبه در یک ثانیه و دانش سیبرنتیک پیشرفته و روباتهای مصنوعی هوشمند است.

امروز سه نوع مدل ریاضی به روباتها می‌دهند تا هوش مصنوعی را در آنها به‌فعالیت بیاندازند. این سه مدل ریاضی عبارتند از:

۱- شبکه مصنوعی عصبی.

در این مدل شبکه اعصاب مغز انسان را با يك مدل ریاضی به ماشین می‌دهند و از طریق دانش بیونیک آنها را وادار به فکر کردن می‌کنند.

۲- منطق فازی - این منطق که نخستین بار در ۱۹۶۰ توسط دکتر لطفی زاده دانشمند ایرانی در آمریکا ارائه شد، يك مدل ریاضی برگرفته از منطق است که نحوه استنتاج و استدلال منطقی انسان را به ماشین و یا روبات می‌دهند تا مانند انسان تفکر منطقی کند.

۳- الگوریتمهای ژنتیکی - این يك مدل ریاضی است که چگونگی عملکرد ژنها، و احتمالاً کار دستان انسان را به ماشین می‌دهند تا ساختمان مغزی و بدنی شبیه انسان پیدا کند، و از طریق تکنولوژی ریز پردازنده یا نوتو تکنولوژی و از طریق مدل سازی کامل اتمهای يك شخص می‌توانند دقیقاً او را و یا بهتر بگوئیم شبیه او را بازسازی کنند.

روند دستیابی به فضا و آشنایی با حیاتهای فوق زمینی و حرکت تکاملی روباتها و هوشهای مصنوعی و دست یافتن به قوانین پیچیده ماده و انرژی جهان ما و انسان را وارد عرصه دیگری از اندیشه و حیات می‌کند، که حقوق صنعتی با تمام قوا باید برای حراست حقوق انسانها بکوشد، به ویژه، وقتی که با تکنولوژی به راحتی بتوانند ذهن و مغز انسان را از راه دور کنترل کنند.

ما در این دوره باید نبوغ خود را در وضع قوانین به کار ببریم تا در برابر يك چنین تکنولوژی، عدالت را به بهترین نحو اجراء کنیم و حقوق و قانون را وسیله‌ای برای توسعه اقتصادی قرار دهیم.

تئوری اموال به شکلی که امروز در حقوق مدنی، و یا حقوق تجارت مطرح است، جوابگوی هجوم تکنولوژی به زندگی انسان نیست و به نظر نگارنده اموال تولیدی و صنعتی که جدا از انسانها به تحرك مادی و صنعتی جوامع بشری جان می‌بخشند، باید همانند خود انسانها شخصیتی حقوقی پیدا کنند که در عرض شخصیت حقوقی شرکت باشند و از دست‌برد و تقسیم و انتقال و توارث مصون بمانند و

يك شخصیت دینامیک یا پویا و نیرو سرشت و مستقل از سهامداران و مالکین و مدیران پیدا کند.

با توجه به این بحث ما به قسمت سوم این مقاله می‌پردازیم.

قسمت سوم - تئوری حقوقی اموال دینامیک

دینامیک به معنی نیرو سرشت و پویاست. نگارنده این اصطلاح را از علم فیزیک و مکانیک استقراض کرده است تا به کمک آن مدلی برای علم حقوق پیدا کند. در حقوق صنعتی، اموال وضعیت عادی خود را از دست می‌دهند و جنبه دینامیک یا پویا پیدا می‌کنند. یعنی اموالی که نه تنها از مالک و سهامدار مستقل است بلکه دارای حرکت پویا برای سازندگی و تولید است و طرح خاصی برای این نوع اموال در نظر گرفته شده است.

اموال دینامیک، اموال تولیدی هستند که برای هدف خاصی، یعنی تولید و تبدیل مواد اولیه به کالاهای ساخته شده به کار می‌رود، این اموال پس از اینکه شخصیت حقوقی تشکیل شد، به صورت واحد تولیدی مستقل از شخصیت حقوقی شرکت، به صورت يك مجتمع تولیدی درمی‌آید، و دیگر هیچ تعلق به سهامداران آن شرکت ندارد. مالک اموال دینامیک شخصیت حقوقی است و این اموال را می‌توان واحد تولیدی نامید. این اموال با فوت و حجر و ورشکستگی سهامداران تقسیم نمی‌شود، و در واقع شرکت سهامی عام و یا يك شرکت چندملیتی شکل و لباس قانونی «واحد تولیدی» است و در واقع سازمان قانونی آن است که اموال دینامیک را در دل خود جای داده است. برای مثال يك کارخانه اتوموبیل‌سازی را در نظر می‌گیریم. يك شرکت سهامی به منظور تولید نوعی اتوموبیل تشکیل می‌شود. مردم سهام این شرکت را پذیره‌نویسی کرده و شخصیت حقوقی شرکت شکل قانونی به‌خود می‌گیرد. شرکت اتوموبیل‌سازی زمینی را برای کارخانه می‌خرد، و سپس ماشین‌آلات نصب می‌کند، آن‌گاه طرح و نقشه‌های علمی

و فنی مبتنی بر تحقیقات مهندسین خود را برای اجراء پیاده می‌کند. دارای مالکیت صنعتی شده و در بازار مشتریهای زیادی را برای محصول خود گرد می‌آورد. بحث نگارنده این است که از لحظه تشکیل قانونی شرکت، زمین و تمام ماشین‌آلات کارخانه، طرحهای صنعتی و حتی طرحها و نقشه‌های مالی، مدیریتی، بازاریابی خط‌مشی تولید، مالکیت‌های صنعتی آن شرکت مانند حق اختراع و یا علائم بازرگانی آن، و حق مشتری و حقوق ناشی از تولید صنعتی آن، در یک واحد و مجموعه‌ای، اموال دینامیک نام دارد که برخی از حقوقدانان فرانسه آن را آنترپریز می‌نامند. مجموعه اموال دینامیک، دارای یک شخصیت اقتصادی است که باید به صورت یک مجموعه تولیدی فعال در نظر گرفته شود، از شخصیت سهامداران و نیز طلبکاران مستقل بوده و به صورت دارائی شخصیت حقوقی و باز مستقل از آن، به حیات خود ادامه دهد.^۱

همان‌طور که مکتب اصالت جان در فلسفه همه عالم را زنده و با شعور می‌داند و به اشیاء جان می‌دهد نگارنده نیز با الهام از این مکتب، اموال دینامیک را زنده و دارای شخصیت می‌داند.

برای مثال، ما می‌خواهیم یک کارخانه تولید دارو تأسیس کنیم. زمین، کارخانجات و زمینی که در آن گیاهان مخصوص کشت می‌شود تا برای مصارف داروئی به کار روند و از آنها استفاده شود، روش تحقیقات، و نتایج تحقیقات داروئی، حق کشف و فرمول‌های مخصوص داروئی، علائم بازرگانی و حق مشتریان این کارخانه به طور مستقل و جدا از شکل شرکت، حال سهامی باشد یا شکل دیگر مجموعه واحد اموال دینامیک شرکت داروئی را تشکیل می‌دهد که دارای شخصیت اقتصادی جدا از شخصیت حقوقی شرکت است. این اموال یعنی اموال دینامیک برای مقصد و موضوع شرکت به کار می‌رود و باید کاملاً از اموال سهامداران و شرکاء جدا باشد.

سؤال این است که آیا سهامداران مالک اموال دینامیک و آنترپریز هستند و یا

شخصیت حقوقی شرکت. با توجه به بحثی که کردیم شخصیت حقوقی یعنی شرکت سهامی مالک اموال دینامیک و آنرپرئیز است و سهامداران فقط مالک ورقه سهم خود هستند، و به کلی شخصیت حقیقی آنان از یک طرف از شخصیت حقوقی شرکت مستقل است، و از سوی دیگر با شخصیت اقتصادی اموال دینامیک یا «واحد اقتصادی تولید» جدا و از لحاظ حقوقی مجزا است.

ماده ۱ قانون شرکتهای سهامی مقرر می‌دارد: شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.

از این ماده چنین استنباط می‌شود که مسئولیت سهامدار نه تنها محدود به مبلغ اسمی سهام اوست، بلکه مالکیت او نسبت به اموال شرکت نیز محدود به آورده اوست. اما اگر مجموع سهامداران را در نظر بگیریم، همه آنها مالک کل اموال شرکت خواهند بود؟

جواب منفی است، چون اگر کل سهامداران یک شرکت فوت کنند و یا محجور شوند، شخصیت حقوقی شرکت خودبه‌خود منحل نمی‌شود، دینامیک است، هیئت مدیره و وراثت سهامداران می‌توانند به اداره شخصیت حقوقی شرکت، و به بهره‌برداری از اموال دینامیک ادامه دهند، و جلوی تعطیلی و ورشکستگی واحدهای تولیدی را بگیرند. به این ترتیب حقوق صنعتی به کمک ارائه نظریات متقن حقوقی می‌تواند در جهت وضع قوانین و مقررات مناسب در حمایت از صنعت و تکنولوژی کشور گام بردارد. چون حقوق اهرم توسعه اقتصادی است. پرسشی که در ختم مقال می‌توان کرد، این است که حقوق ایران در برابر تحولات امروز دنیا، یعنی صنایع فن‌آوری پیشرفته، ابرکامپیوترها، رباتها و هوشهای مصنوعی، علوم فضائی جدید و قوانین پیشرفته محیط‌زیست، تکنولوژی کوانتومی و لیزرهای پیشرفته و تحقیقات غول‌آسای امپراتوری سرمایه چه باید بکند؟

همانطور که نوشته شد ما نیازمند قانونگذاران و حقوقدانی هستیم که با علوم جدید به نحوی آشنا باشند.

در غیر این صورت قوانینی که وضع و اجراء می‌شود، پاسخگوی نیازهای صنعتی روز کشور نخواهد بود. دادگاههای تخصصی حقوق تجارت با شناختن موازین پیشرفته علمی و بازرگانی و بانکداری دنیا باید تشکیل شود و قضات و وکلای این دادگاهها در جریان تصمیمات روز دادگاههای پیشرفته دنیا و قوانین و قواعد تطبیقی باشند.

حقوق کار به عنوان یکی از مهمترین ستونهای حقوق صنعتی، باید پیمانهای دسته جمعی کار را نهادی کرده و اتحادیه‌های کارگری را پیش‌بینی و تأسیس کند. هم سرمایه‌گذاری را تشویق کند و هم به نحوی از حقوق کارگر دفاع نماید.

قانون کار باید به نحوی تنظیم شود که نه باعث وحشت سرمایه‌دار از سرمایه‌گذاری شود و نه کارگر را به صورت برده حقوق صنعتی درآورد.

به عنوان نتیجه باید گفت، حقوق صنعتی باید به اموال خاصی شخصیت مستقل اقتصادی ببخشد تا این اموال تحت نام اموال دینامیک از تقسیم و تجزیه و حراج مصون بمانند و روز به روز به تکامل و تحول برسند.

در پایان اضافه می‌کند که اگر ما کشورهای در حال توسعه، دانش و فن‌آوری و علوم پیشرفته را به چنگ نیاوریم و با وضع قوانین جدید به حرکت سازنده آنها دوام نبخشیم و قانون را اهرم مانع پیشرفت صنعتی و اقتصادی کشور بکنیم، روزی خواهد رسید که ما همانند روباتهای هوشمندی که کشورهای صنعتی می‌سازند و در آینده مفصل‌تر خواهند ساخت، بردگان ذهنی و منقاد علمی آنها خواهیم شد، کماینکه امروز می‌گویند اگر کسی کامپیوتر را نداند بی‌سواد خواهد بود، بزودی ما هم اگر به دانش پیشرفته سخت ابرهوشهای مصنوعی دست نیابیم، بردگان ذهنی علمی و فنی ابرقدرتهای صنعتی خواهیم شد، تا دیر نشده بیایید به خاطر نسلهای آینده این مرز و بوم فکری بکنیم.

منابع و مأخذ مقاله

الف - منابع فارسی:

- ۱- ریمون آرون - مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی ی - ترجمه باقر پرهام، انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی تهران ۱۳۷۰.
- ۲- علی پاشائی - فرهنگ اندیشه نو.
- ۳- محمدعلی عبادی - حقوق تجارت، گنج دانش، تهران ۱۳۷۰.
- ۴- دکتر محسن فرشادیکتا - مفهوم حقوق اقتصادی در ایران، انتشارات مدرسه عالی بازرگانی، تهران ۱۳۵۶.
- ۵- دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی - ترمینولوژی حقوق، گنج دانش تهران ۱۳۶۸.
- ۶- دکتر سیدحسن امامی، حقوق مدنی - جلد ششم، انتشارات اسلامی ۱۳۴۲.

ب - منابع خارجی:

- 1- Georges Rippert. La metamorphose de droit prive' Calimaazd 1956.
- 2- Dictionnaire de Larourse. paris 1971.
- 3- Moc Millan - Encyclopedia of philosophy, Newyork1979.
- 4- Rene' David - Les grands systemes de droit contemporain, Daloz 1973.
- 5- Guy Lambert - (droit Civil) Meiso,, Yuni 1973.